

درس ۱۰

در انتظار طلوع

برآی آفتاب صبح امید که در دام شب بجران ایرم

عقیده به «موعود» و «منجی» در اسلام و به خصوص در تشیع، اعتقادی عمیق و استوار است. این عقیده در میان ارادتمندان به عترت و اهل بیت علیهم السلام چنان ریشه دارد که آثار و جلوه‌های آن در زندگی روزانه‌شان مشاهده می‌شود. از بامداد تا شامگاه، بعد از هر نماز، یاد امام عصر علیه السلام، دعا برای سلامتی آن عزیز و درخواست تعجیل در ظهورشان، برنامه‌ای دائمی و پیوسته است. در این درس، می‌خواهیم دو مسئله را بررسی کنیم و به آن‌ها پاسخ دهیم:

۱- آیا اعتقاد به «موعود» و «منجی» اختصاص به مسلمانان دارد؟

۲- این اعتقاد چگونه زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قراأت کنید.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ

خداوند وعده داده به کسانی از شما که ایمان

دارند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و عمل صالح انجام می دهند

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

که آنان را جانشین در زمین قرار دهد

كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

همان طور که قبل از آنان کسانی را جانشین قرار

داد

وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ

و برای آنان دینشان را مستقر سازد

الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

که برای آن ها پسندیده است

وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند

يَعْبُدُونَنِي

به گونه ای که مرا پرستند

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

و چیزی را شریک من نگیرند

نور، ۵۵

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ

.....

عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ

.....

وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً

.....

وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

.....

قصص، ۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ

.....

مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ

.....

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا

.....

عِبَادِي الصَّالِحُونَ

.....

انبیاء، ۱۰۵

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

.....

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

.....

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

.....

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

.....

توبه، ۳۳



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

نُرِیدُ : می خواهیم أَنْ نَمُنَّ : که منت نهیم

اسْتَضَعِفُوا : ناتوان شمرده شده اند نَجْعَلْ : قرار دهیم

ذکر : در اینجا، کتاب تورات لِيُظْهِرَهُ : تا چهره گرداند آن را

كَرِهَ : نخواهد، اگر اه داشته باشد يَرِثُهَا : آن را به ارث بَرَد

آینده تاریخ

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق، خداپرستانی حضور دارند که در راه عدالت، انسان‌دوستی، آزادی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبای و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل، خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک و کفر و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به خواسته‌های خود، به بهره‌کشی از انسان‌ها و دامن زدن به فساد و بی‌بند و باری پرداخته‌اند. نتیجه نهایی این مبارزه چیست و پیروزی از آن کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه حق یا جبهه باطل؟ پاسخ به این سؤال با پیش انسان درباره جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده جهان درمانده‌اند و اداره کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می‌کند، براساس وعده الهی، باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد و حق طلبان جهان را اداره خواهند کرد و مردم یک زندگی خوب و رو به کمالی خواهند داشت.

پیام آیات

سوره/آیه	در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید که چه آینده‌ای برای تاریخ انسان پیش‌بینی شده است؟
.....
.....
.....
.....
.....
.....



دو بیش طرح شده درباره تاریخ انسان را مقایسه کنید و تأثیر هر کدام را بر روحیه ، رفتار و برنامه ریزی افراد نشان دهید.

.....

.....

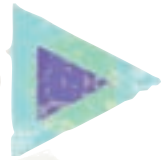
.....

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته اند. آنان می گویند که در پایان تاریخ، درحالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می کند و حکومت جهانی و عادلانه ای تشکیل می دهد که فقط براساس دین خدا اداره می شود.

این عقیده اصلی پیامبران الهی است اما تعلیمات هر پیامبری، جز پیامبر اسلام پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله این دگرگونی ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری درباره ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

برای مطالعه



— یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان در این باره عقیده یکی از یاران حضرت عیسی علیه السلام به نام پولس را پذیرفته اند که می گوید منجی نهایی جهان حضرت عیسی علیه السلام است. او معتقد بود که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند اما سه روز پس از مرگ،

بر صلیب زنده شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.^۱
 در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهاکننده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.^۲
 اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی برای همکاری میان آن‌ها و تلاش برای تحقق آرمان‌های بزرگ همهٔ پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان است. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق‌طلبان و مانع توطئه‌های ستمگران می‌شود.

موعود در اسلام

ما مسلمانان بر این عقیده‌ایم که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان‌ها حضرت مهدی علیه السلام از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظهور خواهد کرد و حکومت واحد و عادلانهٔ جهانی را تشکیل خواهد داد.
 ما معتقدیم که بنابر سخنان صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، موعود و منجی انسان‌ها، دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. او هم‌نام پیامبر صلی الله علیه و آله و «مهدی» یکی از لقب‌های اوست. ایشان آخرین ذخیرهٔ الهی است، و با توجه خاص خداوند به حیات خود ادامه می‌دهد تا این که به اذن خداوند ظهور می‌کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می‌دهد.
 در کتاب‌های حدیث اهل سنت تأکید شده که حضرت «مهدی» از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام است، اما هنوز به دنیا نیامده است.^۳
 زنده بودن امام زمان علیه السلام، مشخص بودن پدر و مادر آن حضرت و حضور ایشان در جامعه فواید زیر را داشته است:

اول این که هر ماجراجوی فریب‌کاری که بخواهد خود را مهدی موعود معرفی کند، به‌زودی شناخته می‌شود و مردم هوشیار فریب او را نمی‌خورند.

دوم این که پیروان آن حضرت، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌یابند و می‌دانند که ایشان از حال مسلمانان آگاه‌اند و از فداکاری‌ها و مجاهدت مؤمنان اطلاع دارند.

۱- قرآن کریم کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند (سورهٔ نساء آیه ۱۵۷).

۲- «سوشیانت» یا «سیر اندیشهٔ ایرانیان دربارهٔ موعود آخرالزمان» از علی اصغر مصطفوی.

۳- تاریخ بخاری، ج ۳، ص ۳۴۳، کتاب المهدی، ج ۴، ص ۱۰۷ و مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

سوم این که هرگاه آنان احساس کنند، می‌توانند با امام حاضر و ناظر خود سخن بگویند، خواسته‌های خود را با ایشان در میان گذارند و برای به دست آوردن رضایت ایشان، با امید و نشاط و پویایی تلاش کنند.

چهارم این که جامعه به صورت‌های گوناگون از هدایت‌های امام و از ولایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد.

انتظار موعود

نگاه مثبت دین به آینده تاریخ و اعتقاد به حضرت مهدی (عج)، اصلی به نام «انتظار» را در دل‌ها زنده کرده است.

انسان منتظر، به معنای خاص کلمه، کسی است که هدف و آرمان خود را می‌شناسد و یقین دارد که روزی این هدف در جهان محقق می‌شود. از این رو همواره برای رسیدن جامعه به چنین هدفی تلاش می‌کند تا جامعه، هر چند یک قدم، به آن هدف نزدیک‌تر شود. و از آنجا که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد، می‌داند که پاداش این تلاش خود را خواهد گرفت.

جامعه منتظر به واقعیت‌های ناهنجار موجود «نه» می‌گوید و به امید فردای درخشان تلاش می‌کند. جامعه منتظر، حکومت‌های غیرالهی و طاغوتی را نمی‌پذیرد و در مقابل آن‌ها می‌ایستد و مقاومت می‌کند. جامعه منتظر می‌کوشد در جهت همان نوع از جامعه‌ای که انتظارش را می‌کشد حرکت کند؛ برای مثال، اگر در انتظار عدالت جهانی است، در حد توان آن را تمرین می‌کند و برای تحقق آن پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که جوامع دیگر با مشاهده جامعه منتظر، مشتاق آن جامعه و آرمان‌های آن شوند. همان‌طور که برخی از جامعه‌شناسان گفته‌اند، پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ، به دو عامل وابسته بوده است:

الف - گذشته سرخ - اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه عدالت‌خواهی، آرمانگرایی و حقیقت‌جویی.

ب - آینده سبز - باور به مهدویت و نپذیرفتن حکومت‌های طاغوتی و تلاش برای گسترش عدالت و انسانیت در سراسر جهان.

مسئولیت‌های منتظر

اکنون جا دارد که ببینیم در دوره غیبت چه مسئولیت‌هایی بر عهده منتظران قرار دارد. در این‌جا

به مهم‌ترین این مسئولیت‌ها اشاره می‌کنیم.

۱— تقویت معرفت، ایمان و محبت به امام: افزایش معرفت به امام عصر(عج) و تقویت محبتی که به دنبال آن می‌آید، وظیفه هر مسلمانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنانی ضمن معرفی همه امامان، درباره امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

هرکس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر علیه السلام را بپذیرد.^۱

عصر غیبت، عصر دودلی‌ها و شک و تردیدهاست. در این دوره، فتنه‌های گوناگون و اندیشه‌های رنگارنگ پیدا می‌شوند و بی‌ایمانی را تبلیغ می‌کنند. مؤمن حقیقی، به خود تردید راه نمی‌دهد و با یقین، برای فردای روشن آماده می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند که در روزگاران آینده زندگی می‌کنند، پیامبرشان را ندیده‌اند، امام آن‌ها در غیبت است و فقط به سبب خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام (و تفکر در آن‌ها) ایمان می‌آورند.^۲



چند نمونه از راه‌های تقویت معرفت و محبت پیشنهاد دهید.

.....

.....

.....

۲— پیروی از امام عصر علیه السلام: منتظر حقیقی تلاش می‌کند در عصر غیبت هم پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. پیروی از امام عصر علیه السلام پیروی از دستور آن حضرت مبنی بر مراجعه به عالمان دین و تبعیت از آن‌هاست. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱— بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

۲— بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.^۱

۳- ایجاد آمادگی در خود و جامعه: منتظر، عصر غیبت را عصر آماده‌باش برای یاری امام تلقی می‌کند. او هر لحظه منتظر است ندای امام علیه السلام در جهان طنین‌انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند.

آنان که در زندگی خود با باطل مبارزه نکرده‌اند و با مستکبران مقابله ننموده‌اند، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی علیه السلام به حضرت مهدی (عج) خواهند گفت: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما این‌جا می‌نشینیم».^۲

البته این آمادگی ابعاد گوناگون علمی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی دارد و منحصر به یک تخصص نمی‌شود. زیرا امام زمان (عج) یارانی توانمند در همه ابعاد می‌خواهد؛ یارانی که بتوانند مسئولیت‌های بزرگ عصر ظهور را بر دوش گیرند.

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران امام عصر (عج) می‌فرماید:

یاران مهدی (عج) مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره‌ها هستند؛ اگر به کوه‌ها روی آورند، آن‌ها را متلاشی می‌کنند.^۳

امام علی علیه السلام درباره کسانی که با امام پیمان می‌بندند و بیعت می‌کنند، می‌فرماید:

امام با این شرط با آنان بیعت می‌کند که در امانت خیانت نکنند، پاک‌دامن باشند، اهل دشنام و کلمات زشت نباشند، به ظلم و ستم خون‌ریزی نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار ندهند، ساده‌زیست باشند و بر مرکب‌های گران‌قیمت سوار نشوند، لباس‌های فاخر نپوشند، به حقوق مردم تجاوز نکنند، به تیمان ستم نکنند، دنبال شهوت‌رانی نباشند، شراب ننوشند، به پیمان خود عمل کنند، ثروت و مال را احتکار نکنند... و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند.^۴

چه کسانی می‌توانند در هنگام ظهور سرشار از یقین و استوارتر از صخره‌ها باشند؟ چه کسانی می‌توانند در هنگام بیعت با امام، اهل جهاد و پیکار باشند، پاک‌دامنی پیشه کنند و اهل زشتی و زشت‌کاری نباشند؟

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲- اشاره به آیه ۲۴ سوره مائده.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴- الملاحم والفتن، سیدابن طاووس، ص ۱۴۹.

کسانی که قبل از ظهور آن حضرت، تمرین کرده و در صحنه فعالیت های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه حق حضوری فعال داشته باشند و ایستادگی و مقاومت در مقابل شیاطین درون و برون، ویژگی هایی چون شجاعت، عزت نفس، بلندهمتی و پاک دامنی را در خود پرورانده باشند.

کسی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کند و در صحنه نبرد حق طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشد، چنین کسی شجاعت و از جان گذشتگی لازم را به دست نخواهد آورد و در نبرد سهمگین سپاه امام علیه ستمکاران جهان، صحنه را ترک خواهد کرد.

یاران امام، پیشتازان تحول جهانی و سازندگان تمدن متعالی اسلامی اند. هسته مرکزی این یاران، سیصد و سیزده نفر، به تعداد یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بدر هستند که بنا به فرموده امام باقر علیه السلام پنجاه نفر از آنان از زنان اند.^۱ همچنین، در احادیث آمده که بیش تر یاران امام را جوانان تشکیل می دهند.^۲

با ایجاد آمادگی در خود، بکوشیم که از یاران نزدیک امام عصر علیه السلام باشیم.

۴- دعا برای ظهور امام : در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است. زیرا فرج و گشایش واقعی برای دینداران با ظهور آن حضرت حاصل می شود. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید :

منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب ترین کارها نزد خداوند، انتظار فرج است.^۳

لازمه این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام است. بر این اساس، خواست خود را این گونه به درگاه خداوند عرضه می داریم :

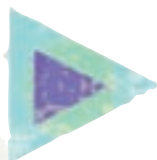
«خدایا! از تو آن دولت با کرامتی را طلب می کنیم که با آن، اسلام و اهلش را عزیز می گردانی و نفاق و اهلش را خوار می سازی. ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار.»^۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

۲- الغیبة، نعمانی، ص ۱۰۷.

۳- الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶، تحف العقول، ص ۱۰۴.

۴- بخشی از دعای افتتاح که معمولاً در شب های ماه مبارک رمضان خوانده می شود.



۱- رهبر معظم انقلاب اسلامی دربارهٔ ویژگی‌های منتظران می‌فرماید :

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمهٔ شعبان برای من و شما این است که هرچند اعتقاد به ظهور حضرت مهدی - ارواحنا فداه - یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست اما نباید مسئله را فقط به جنبهٔ آرمانی آن ختم کرد؛ یعنی، به عنوان یک آرزو در دل یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن، نه؛ این آرمانی است که باید عمل به دنبال آن بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم. سربازی امام زمان کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن‌بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پراز عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم. نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و معنایش این است که انسان از لحاظ علمی، فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آمادهٔ کار باشد^۱.

مشتاق و منتظر امام زمان علیه السلام این گونه با ایشان نجوا می‌کند :

ای پادشاه خوبان، داد از غم تنهایی دل بی‌توبه جان‌آمد، وقت است که بازآئی
 دامن کل این بستان شاداب منی ماند در یاب ضعیفان را در وقت توانایی
 مشتاقی و مجوری دور از تو چنانم کرد کز دست بخوابد پایاب شکیبایی
 ساقی چمن کل را بی روی تو رنگی نیست ششاد خرامان کن تا باغ بیاری

۱- سخنرانی به مناسبت نیمهٔ شعبان، در مصلاهی تهران، در تاریخ ۸۱/۷/۳۰.

ای درد توام درمان در بستر ناکامی وی یاد توام مونس در کوششی تنهایی
حافظ، شب بهران شد بوی خوش وصل آمد شادیت مبارک باد، ای عاشق شیدایی
و با بیانی صمیمی، انتظار خود را این گونه ترسیم می کند :

از نوشخت نرگس چشم انتظاری ام گل کرد خاز خار شب بی قراری ام
تا شد بزار پار و دل از یک نگاه تو دیدم بزار چشم، در آینه کاری ام
کرمن به شوق دیدنت از خویش می روم از خویش می روم که تو با خود بیاری ام
بود و نبود من همه از دست رفته است باری بگر تو دست بر آری به یاری ام
کاری به کار غیر ندارم که عاقبت مرغم نهاد نام تو بر زخم کاری ام
تا سائل قرار تو چون موج بی قرار با رود، روبه سوی تو دارم که جاری ام
با ناختم به سنگ نوشتم؛ بیا بیا زان پیش تر که پاک شود یاد کاری ام

۲- امروزه، با واقعیتی به نام جهانی شدن (Globality) مواجهیم که باید رابطه آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات میان انسان ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت ها و کشورها بر یک دیگر است؛ به گونه ای که کمتر اتفاقی در گوشه ای از عالم رخ می دهد که مردم دیگر سرزمین ها از آن بی خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی صوتی و تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت از یک طرف و وسایل نقلیه جدید مانند اتومبیل، قطار و هواپیما از طرف دیگر، ارتباط میان انسان ها را در نقاط مختلف کره زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده از اخبار هم خبر دارند. از همین جاست که مفهوم «دهکده جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

این یک واقعیت اجتماعی است که رخ داده است و اکنون مادر چنین جهانی زندگی می‌کنیم. با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌ریزی می‌کنند که فرهنگ، اندیشه و آن شیوه زندگی را که خود می‌پسندند، جهانی کرده و بر سایر مردم تحمیل کنند. این طرح و برنامه جهانی‌سازی (Globalisation) نامیده می‌شود.

آن‌ها برای رسیدن به این منظور، از امکانات بسیار پیچیده آشکار و پنهان کمک می‌گیرند. شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، سایت‌های متنوع اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و نشریات، سازمان‌های گسترده اطلاعاتی و جاسوسی ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص آمریکا هستند. پشتوانه این ابزار، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آن قدرت‌هاست که با ایجاد رعب و ترس یا وابستگی و تسلیم‌طلبی یا طمع، زمینه را برای توسعه فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم سلطه‌گران آماده می‌کنند. برای مثال، آمریکا پس از این که افغانستان و عراق را تصرف کرد، چندین شبکه تلویزیونی به راه انداختن فرهنگ و اخلاق خود را بر مردم مسلمان این دو کشور تحمیل کند.

توجه به قدرت گسترده و پیچیده ارتباطات، شیوه‌های مدرن تبلیغ، مهم‌ترین ابزار یکسان‌سازی فرهنگی است. این شیوه‌ها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودشان مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی و به‌طور کلی شیوه زندگی خود را در زیباترین قالب‌های تبلیغی عرضه می‌کنند تا ملت‌ها را دنباله‌رو خود سازند. در این جاست که ذکاوت و زیرکی ملت ما، به خصوص نسل جوان، باید به کمک بیاید تا به جای پیوستن به جهانی‌سازی تحمیلی، با تکیه بر کرامت و عزت خود و با قدرت ابتکار و خلاقیت و پیشه کردن بردباری و صبر، فرهنگ خود را تعالی بخشیم و در این رقابت جدی و سخت، موفق باشیم.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به‌طور طبیعی مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد؟ چنین به نظر می‌رسد که عقیده‌ای با شاخصه‌های زیر می‌تواند جهانی شود:

الف - با فطرت انسان و ویژگی‌های فطری او سازگار باشد.

ب - مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.

ج - توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی، را دارا باشد.

د - از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار باشد.

هـ - یک رهبر معصوم و مورد اعتماد، مبلّغ آن باشد.

با تأملی در عقاید اسلامی و دیدگاه تشیع درباره مهدویت، این پنج شاخصه را در آن می بینیم. جهانی شدن فرصت مناسبی برای جهانی سازی اندیشه اسلامی با استفاده از تبلیغ سازنده و مثبت است. معتقدان به مهدویت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام باید با حضور فعال و مؤثر در صحنه های جهانی و نشان دادن نقاط ضعف اندیشه های دیگر، زمینه های ظهور را بیش تر فراهم کنند.

۳- دعای عهد، از دعا های مشهور و مربوط به امام عصر علیه السلام است و مستحب است که هر روز صبح خوانده شود. در بخشی از این دعا، از خداوند کمک می طلبیم که بر عهد و پیمان خود با امام زمانمان ثابت قدم باشیم و از یاری آن حضرت دست برداریم. قسمتی از این دعا به شرح زیر است :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهٗ	خدایا من با او تجدید می کنم
فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا	در صبح این روز و
وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي	تا روزهایی که زندگی می کنم
عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً	عهد و پیمان و بیعتی را
لَهٗ فِي عُنُقِي	که بر عهده گرفته ام
لَا أَحُولُ عَنْهَا	و از آن روی نمی گردانم
وَلَا أَزُولُ أَبَدًا	و هیچ گاه دست بر نمی دارم.
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي	خدایا مرا قرار بده
مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ	از یاران و مددکاران او
وَ الدَّابِّينَ عَنْهُ	و دفاع کنندگان از او
وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ	و شتابندگان به سوی او
فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ	برای برآوردن خواسته هایش
وَ الْمُتَتَّبِلِينَ لِأَوَامِرِهِ	و اطاعت کنندگان از دستورات او
وَ الْمُحَامِينَ عَنْهُ	و مدافعان حضرتش
وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ	و پیشی گیرندگان به سوی خواسته هایش
وَ الْمُتَشَّهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ	و کشته شدگان در پیشگاهش.

.....

معرفت، محبت و انتظار

سه کلمه زیبا که با نام «مسدی» (عج) در خاطر ما زنده می شود.
انتظار، بدون محبت و محبت، بدون معرفت بی معناست.

*

در برنامه زندگی خود،

بسترین فرصت را به این سه کلمه زیبا اختصاص می دهیم و می گوئیم
بر معرفت خود به امام زمان (عج) بنشینیم و عشق او را در دل شعله ور کنیم
تا از مقطران و مشتاقان حقیقی دیدارش بایستیم.



- ۱- از دیدگاه قرآن کریم، آینده تاریخ از آن چه کسانی است؟
- ۲- معتقد بودن به انتظار، چه تأثیرهایی بر شخصیت فرد منتظر دارد؟
- ۳- این جمله را تحلیل کنید: «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند.»



- ۱- یکی از دعا‌های مهمی که ارتباط ما را با امام عصر علیه السلام تقویت می‌کند، دعای عهد است. این دعا را در کتاب مفاتیح الجنان بیابید؛ آن را مطالعه کنید و ببینید که در این دعا چه عهدی مطرح شده است.
- ۲- بررسی کنید که پیشرفت تکنولوژی و جهانی شدن ارتباطات، فهم کدام یک از علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام را آسان کرده است.
- ۳- در آیه ۱۷ سورة رعد بیندیشید و توضیح دهید که:
الف - در این آیه، از چه مثالی برای نشان دادن تقابل حق و باطل استفاده شده است؟

- ب - چه شباهت‌هایی میان آن مثال و حق و باطل وجود دارد؟
- ۴- با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی که در بخش «برای مطالعه» آمده، توضیح دهید که «انتظار مثبت» چه تفاوت‌هایی با «انتظار منفی» دارد؟



درس ۱۱

مرجعیت و ولایت فقیه

در درس‌های گذشته دیدیم که دو قلمرو از رسالت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان به ائمه اطهار علیهم‌السلام منتقل شد و آنان به عنوان حجت‌های خدا در روی زمین، این مسئولیت‌ها را برعهده گرفتند و در همین چارچوب، جهاد و مبارزه کردند.

در این درس می‌خواهیم بدانیم:

مسئولیت‌های مربوط به امامت در

دوره غیبت کبری چگونه انجام می‌شود؟

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

باطل در این کتاب راه نیابد	لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ
چه پیش از آن	مِنْ بَيْنَ يَدَيْهِ
و چه بعد از آن،	وَلَا مِنْ خَلْفِهِ
که فرستاده‌ای است از سوی خدایی حکیم و ستوده	تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

فصلت، ۴۲

.....	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ
.....	بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ
.....	لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
.....	وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

توبه، ۳۳

و مؤمنان را شاید که همگی بیرون روند	وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً
پس چرا کوچ نکنند از هر گروهی،	فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ
جمعی از آنها	مِنْهُمْ طَائِفَةٌ
تا دانش دین بیاموزند،	لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
و مردم خویش را انداز دهند	وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ
آن‌گاه که به سوی آنها باز گردند؛	إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ
شاید که بترسند و توجه کنند.	لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

توبه، ۱۲۲



به کمک توضیحات زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

لِیُظْهِرَهُ: تا پیروز گرداند او را کَرِهَ: بدش بیاید، نخواهد

پیام آیات

سوره/آیه	با تفکر در آیات ابتدای درس، مشخص کنید که هر پیام از کدام آیه گرفته شده است.
.....	۱- هیچ‌گاه در قرآن باطل راه پیدا نخواهد کرد به همین جهت برای همیشه کتاب هدایت ما خواهد بود.
.....	۲- خداوند، مسیر هدایت و دین حق را با ارسال رسولان در اختیار ما قرار داده است.
.....	۳- هر انسانی، برای رستگاری، باید به دستورات قرآن و دین الهی عمل کند.
.....	۴- چون همهٔ مردم نمی‌توانند دانش دین را به‌طور عمیق و تخصصی فرا بگیرند، باید کسانی این مسئولیت را بپذیرند تا سایر مردم برای به‌دست آوردن احکام به آنان مراجعه کنند.

پیامبر اسلام آخرین پیامبر الهی و قرآن، کتاب جاودانهٔ اوست. پیروی از دین اسلام و دستورات الهی اختصاص به زمان پیامبر و امامان ندارد و هر انسانی وظیفه دارد مطابق با راهنمایی‌های خداوند زندگی کند تا به رستگاری برسد.

اکنون، سؤال این است که در دورهٔ غیبت کبری مسئولیت‌های مربوط به امامت، یعنی «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» چگونه ادامه می‌یابد؟ در این دوره، مسلمانان از چه راهی به احکام و قوانین اسلامی دسترسی پیدا می‌کنند و این قوانین چگونه در جامعهٔ اسلامی پیاده می‌شود؟

پاسخ این سؤال را می‌توان از سیرهٔ امامان بزرگوار علیهم‌السلام به‌دست آوردیم. یکی از اقدامات آن بزرگواران تربیت دانشمندانی بود که بتوانند احکام اسلام را با مراجعهٔ به قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر و امامان به‌دست آورند. این دانشمندان، به شهرهای دوردست که امامان حضور نداشتند می‌رفتند و احکام اسلامی را به آنان می‌آموختند. این روش، برگرفته از قرآن کریم بود. قرآن کریم دستور می‌دهد

گروهی از مردم وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به «تفقه» در دین پردازند، تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند. تفقه، به معنای تفکر عمیق است. افرادی که به معرفت عمیق در دین می‌رسند، «فقیه» نامیده می‌شوند. ما مسلمانان وظیفه داریم در زمان غیبت امام و عدم امکان دسترسی به ایشان به این فقیهان مراجعه کنیم. به چند سخن از پیامبر اکرم و ائمه اطهار در این زمینه توجه کنید :

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید :

حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت‌تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است. زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی حکم و نظر امام را نمی‌داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگری را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آن‌ها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.^۱

۲- امام صادق علیه السلام می‌فرماید :

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ هر کس از فقیهان که

صَائِنًا لِنَفْسِهِ نگهدارنده نفس خود،

حَافِظًا لِدِينِهِ نگهبان دین خود،

مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مخالفت کننده با هوی و هوس خود

مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فرمان‌بردار فرمان خداوند خود باشد

فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلِدُوهُ پس، بر مردم است که از او پیروی کنند.^۲

۳- گروهی از امام صادق علیه السلام پرسیدند که برای قضاوت به چه کسی مراجعه کنیم. ایشان در پاسخ فرمود :

از میان کسانی که در احکام دین تخصص دارند، یکی را برگزینید؛ که من چنین شخصی را قاضی و حاکم قرار داده‌ام.^۳

۴- امام صادق علیه السلام درباره کسانی که برای قضاوت به سلاطین یا قاضی آنان مراجعه می‌کنند، فرمود :

۲- بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۷، ح ۲۱۴۵۸

۳- التهذیب، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۵۳

هر کس به حق یا ناحق به چنین کسانی مراجعه کند، به طاغوت مراجعه کرده و این مخالف کلام خداست که می فرماید «می خواهند برای داوری نزد طاغوت روند، درحالی که باید به طاغوت کافر باشند.»^۱

پرسیدند : پس چنین افرادی چه کنند؟

فرمود : اینان باید به یکی از شما که سخنان ما را روایت می کند و در احکام دین تفکر می کند و آن ها را می داند، مراجعه کنند و به حکم او عمل نمایند. من چنین کسی را حاکم و داور میان شما قرار داده ام.»^۲

۵ - امام عصر (عج) در پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که درباره «رویدادهای جدید» عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را جست و جو نمود، فرمود :

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ و در مورد رویدادهای زمان

فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا به راویان حدیث ما رجوع کنید.

فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ که آنان حجت من بر شمایند

وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ و من حجت خدا بر آنها می باشم^۳



شماره حدیث	با تفکر در احادیث فوق، مشخص کنید که هر پیام با کدام حدیث ارتباط دارد.
.....	۱- فقیه کسی است که با مطالعه دقیق منابع اسلامی به مرحله ای از تخصص در دین رسیده که می تواند احکام اسلامی را به دست آورد و حلال و حرام دین را تشخیص دهد.
.....	۲- فقیه باید بتواند احکام مسائل و رویدادهای جدید را نیز که در زمان پیامبر اکرم و امامان اتفاق نیفتاده به دست آورد.
.....	۳- مردمی که می خواهند براساس قوانین اسلام زندگی کنند، اما به پیامبر و امام دسترسی ندارند، باید به فقهی که دارای شرایط ویژه ای هستند، مراجعه نمایند.
.....	۴- مردم نباید برای مجموعه احکام فردی و اجتماعی خود به حاکمان طاغوت مراجعه کنند. اینان اگر از فقیه دارای شرایط پیروی نکنند، عملاً حکومت طاغوت را پذیرفته اند و مخالف فرمان قرآن کریم رفتار کرده اند.

۱- سورة نساء، آیه ۶۰ ۲- اصول کافی، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۱۱۳ ۳- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۳

بنابراین :

در دوره غیبت، بنابه فرمان امام زمان (عج) و به نیابت از ایشان، «فقیه» واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «رهبری و ولایت» را برعهده دارد و در حد توان، جامعه اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می‌کند. فقیهان، با تفکر در آیات و روایات و با کمک گرفتن از موازن دقیق، احکام را به دست می‌آورند و در اختیار مردم قرار می‌دهند. مردم هم که خود در احکام دینی متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه می‌کنند و مطابق با راهنمایی آنان عمل می‌نمایند. به این مراجعه، پیروی یا «تقلید» می‌گویند. پس، تقلید در احکام، به معنای رجوع به متخصص است. چنین فقیهی را نیز مرجع تقلید می‌نامند.

از میان فقیهان دارای شرایط، آن کس که توانایی لازم برای برپایی و اداره حکومت را دارد، رهبری جامعه را به دست می‌گیرد و به پیاده کردن قوانین الهی در جامعه اقدام می‌کند. فقیهی که این مسئولیت را برعهده دارد، ولی فقیه نامیده می‌شود.

بدین ترتیب، در عصر غیبت :

۱- مرجعیت دینی در شکل مرجعیت فقیه ادامه می‌یابد.

۲- حکومت اسلامی در چهارچوب ولایت فقیه استمرار پیدا می‌کند.

شرایط مرجع تقلید و ولی فقیه

مرجع تقلید، علاوه بر تخصص در فقه، باید شرایط زیر را نیز دارا باشد :

۱- باتقوا باشد.

۲- عادل باشد.

۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.

ولی فقیه که مسئولیت رهبری جامعه را برعهده دارد، علاوه بر سه شرط فوق، باید دو شرط

دیگر را نیز داشته باشد :

۴- با تدبیر و با کفایت باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند و با درایت

و بینش قوی، نقشه‌های دشمنان دین را خنثی سازد.

۵- شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و وا همه، با دشمنان دین مبارزه کند.

در اجرای احکام دین از کسی نترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.

پس، آن فقیهی که این پنج شرط را داشته باشد، حکومت و رهبری او مورد پذیرش دین

است. یعنی از نظر دین «مشروعیت» دارد که مردم را رهبری کند. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.^۱

راه‌های شناخت مرجع تقلید

شناخت متخصص در احکام دین، مانند شناخت هر متخصص دیگر است. ما همان‌طور که برای یافتن بهترین پزشک یا معمار یا مهندس، تحقیق و جست‌وجو می‌کنیم، برای شناخت فقیه اعلم و داناتر نیز باید تحقیق نماییم و یکی از راه‌های زیر را پیش بگیریم:

۱- خود ما به اندازه‌ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه دارای شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.

۲- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند، بپرسیم.

۳- یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن‌چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.



۱- اگر مسلمانی که خود متخصص در احکام نیست، فقیه واجد شرایط را انتخاب نکند

و به وی مراجعه ننماید، اعمال دینی او چگونه خواهد بود؟

۲- آیا شما مرجع تقلید خود را تعیین کرده‌اید؟ از چه طریقی؟

چگونگی انتخاب ولی فقیه

از آن‌جا که ولی فقیه بیان‌کننده قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی‌تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد. یعنی نمی‌شود که هر کس به‌طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند. زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان‌پذیر است در غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می‌آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام‌های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به‌صورت دسته‌جمعی اقدام کنند و فقیه‌ی را که دارای شرایط رهبری

۱- صحیفه نور، مجموعه آثار امام خمینی، ج ۹، ص ۲۵۳

است، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به او بسپارند. مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راه‌پیمایی‌های سراسری ولایت امام خمینی - رحمه الله علیه - را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند. اکنون نیز بنا بر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می‌کنند و آن خبرگان نیز از میان فقها آن کس را که شایسته‌تر برای رهبری تشخیص دهند، به جامعه اعلام می‌کنند. بر این مبنا بود که پس از رحلت امام خمینی - رحمه الله علیه - حضرت آیت الله خامنه‌ای مسئولیت رهبری جامعه را عهده‌دار شدند.

بنابراین فقیهی می‌تواند رهبری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد و کشور را اداره کند و به پیش ببرد که هم شرایط تعیین شده در دین را دارا باشد (مشروعیت) و هم مورد پذیرش مردم باشد (مقبولیت). طبیعی است که چنین فقیهی تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط پنج‌گانه ذکر شده برای ولی فقیه را دارا باشد. تشخیص این امر نیز بر عهده مجلس خبرگان است.



اصل ۱۰۷ قانون اساسی را که مربوط به انتخاب رهبر است، مطالعه کنید و چگونگی انتخاب ولی فقیه را توضیح دهید.

.....

.....

.....





چرا در برخی از موضوعات، نظرات فقیهان متفاوت می‌شود؟
 فقه یک رشته تخصصی است که فقیه پس از طی مدارج علمی در علوم و موضوعاتی مانند ادبیات عرب، منطق، حدیث، تفسیر، علم اصول، علم رجال، درایة الحدیث و آشنایی با برخی رشته‌های دیگر مانند تاریخ اسلام و علم کلام وارد آن می‌شود و پس از سال‌ها تحصیل به این توانایی دست می‌یابد که بتواند با مراجعه به قرآن و سنت و سیره معصومین و با به کار گرفتن قواعد و اصول خاص، مسائل فقهی را پاسخ دهد. از آن‌جا که فقیهان، معصوم نیستند، ممکن است اشتباه کنند و میان یک فقیه با فقیه دیگر درباره یک مسأله اختلاف نظر پیش آید. این اختلاف نظر، شبیه به اختلاف نظر میان پزشکان است که ممکن است یک پزشک با معاینه بیمار و بر مبنای مطالعات علمی خود به تشخیصی برسد و پزشک دوم به تشخیصی دیگر. البته به میزانی که مسأله، پیچیده‌تر و دقیق‌تر می‌شود، احتمال اختلاف نظر افزایش می‌یابد. به همین جهت است که مردم باید تلاش کنند آن فقیهی را که از دیگران داناتر است، شناسایی کرده و از او پیروی نمایند تا احتمال خطا کاهش یابد.

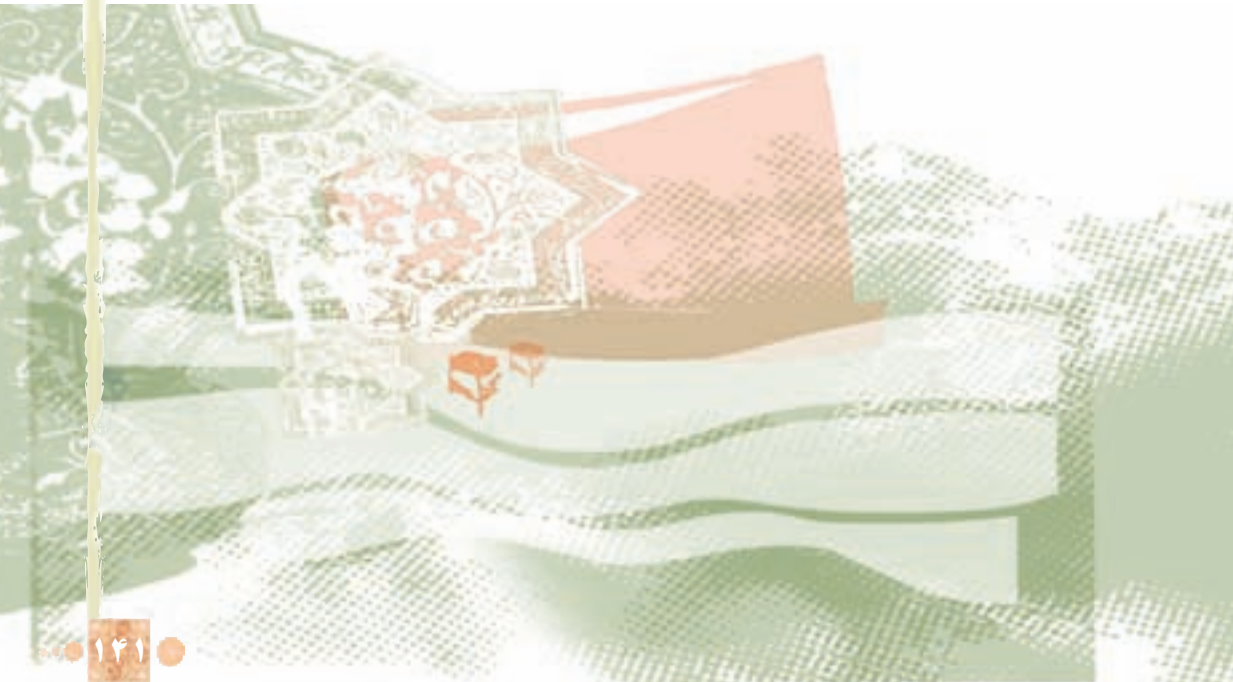




- ۱- پیام‌های اصلی این درس کدام‌اند؟
- ۲- مقصود از «تقلید» در احکام دینی چیست؟
- ۳- تقلید برای چه کسانی لازم است و شامل چه زمینه‌هایی می‌شود؟
- ۴- چرا باید مرجع «عادل» و «زمان‌شناس» باشد؟



به اولین بخش کتاب «توضیح المسائل» مراجعه کنید. احکام مربوط به تقلید را مطالعه کنید و سه مورد را که مهم تشخیص می‌دهید، انتخاب کنید و در کلاس بگویید.



درس ۱۲

ویژگی‌های حکومت اسلامی

خواندیم که ولایت و رهبری جامعه در
عصر غیبت، به نیابت از امام عصر علیه السلام برعهده
فقیه واجد شرایط است. اکنون می‌خواهیم به
مسائل مربوط به حکومت اسلامی و ویژگی‌های
آن پردازیم.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

..... اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ
..... بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
..... وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...

نحل، ۱۲۵

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ
وَمَنْ تَابَ مَعَكَ
وَلَا تَطْغَوْا
إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

پایداری کن، همان طور که فرمان یافته ای
و آنان که با تو به خدا روی آورده اند
سرکشى و طغیان نکنید
که او بدانچه می کنید، بیناست

هود، ۱۱۲

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ
وَلَوْ كُنْتَ قَطًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ
فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

به مهر الهی با آنان نرم شدی
اگر تندخو و سخت دل بودی
از گرد تو پراکنده می شدند
.....
.....
.....
.....
.....

آل عمران، ۱۵۹

وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ

فَاتَّبِعُونِي

وَاطِيعُوا أَمْرِي

طه، ۹۰



به کمک توضیحات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

حکمة : علم محکم و براساس استدلال

عَزَمْتُ : تصمیم گرفتی

شاورٌ : مشورت کن

أَدْعُ : دعوت کن

جَادِلْهُمْ : با آنان به بحث و مجادله پرداز

أَحْسَنُ : بهترین، پسندیده ترین

تَوَكَّلْ : توکل کن

۱- رابطه رهبر با مردم

ولایت و رهبری در جامعه اسلامی، به جانشینی و نیابت از رسول خدا ﷺ و امامان ائمه اطهار است. می شود و رهبر با پیروی از آن بزرگواران، قوانین اسلامی را در جامعه به اجرا درمی آورد و پیاده می کند. از این رو، ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، از راهنمایی قرآن کریم بهره می برد و رسول خدا و اهل بیت ایشان را اسوه و سرمشق قرار می دهد و می کوشد که به شیوه آنان عمل نماید. پس لازم است برای شناخت رفتار و رابطه رهبر با مردم ابتدا به سراغ قرآن کریم برویم و از آیات ابتدای درس برخی از این رفتارها را استخراج کنیم :

۱- رهبر نسبت به مردم جامعه خود دلسوز و مهربان است. از کوتاهی های مردم می گذرد و برای

آنان از خداوند آموزش می‌خواهد. سوره...../آیه.....

۲- با مردم جامعه خود مشورت می‌کند و تصمیم‌گیری‌های خود را پس از مشورت انجام می‌دهد. با توجه به توسعه جوامع، لازمه مشورت، وجود گروه‌ها و نهادهای مشورتی است که امروزه در جمهوری اسلامی ایران به شکل‌های گوناگونی مانند..... وجود دارد. سوره...../آیه.....

۳- ولی فقیه در تصمیم‌گیری قاطع و استوار است و با توکل بر خداوند برنامه‌ها را به پیش می‌برد و مانع خلل و سستی در نظام اسلامی می‌شود. سوره...../آیه.....

۴- با روش‌های درست و منطقی به روشنگری مردم می‌پردازد و تلاش می‌کند که آنان به روشن‌بینی و بصیرت لازم برسند و راه حق را از باطل تشخیص دهند و در دام دشمنان خدا و مردم نیفتند.

سوره...../آیه.....

همچنین با مطالعه و تحقیق در سیره پیامبر گرامی و امامان بزرگوار علیهم‌السلام، به ویژگی‌های دیگری برای رهبری می‌رسیم که در ادامه ویژگی‌های قبل می‌آوریم:

۵- رهبر جامعه اسلامی نسبت به سرنوشت جامعه و اصول اسلامی استوار و قاطع است و اجازه نمی‌دهد قوانین اسلامی مورد بی‌توجهی قرار گیرد.^۱

۶- رهبر جامعه اسلامی نگاه برابر و مطابق قانون به آحاد جامعه دارد و با مردم مناطق مختلف کشور و اقوام گوناگون به مساوات رفتار می‌کند.^۲

۷- تربیت و هدایت مردم به دین خدا و سعادت حقیقی را مهم‌ترین حق مردم می‌داند و تلاش می‌کند که این مسئولیت را به‌خوبی انجام دهد.^۳

۸- رهبر، در برابر مردم و به‌خصوص مستمندان و مستضعفان، متواضع و فروتن و در برابر ستمکاران و مستکبران، با عزت، نفوذناپذیر و مقتدر عمل می‌کند.^۴

۱- سیره نبوی، استاد شهید مطهری، ص ۲۳۶

۲- همان، ص

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۸ و ۳۴ و نامه ۶۷

۴- سیره نبوی، استاد شهید مطهری، ص ۹۶ تا ۱۰۱

وقتی که امیرالمؤمنین علی (ع) مالک اَشتر را به فرمانداری مصر منصوب کرد، نامه‌ای به وی نوشت و در آن نامه سیمایی از یک حاکم اسلامی را ترسیم کرد و مسئولیت‌های او را بیان فرمود. این نامه به «عهدنامه مالک اشتر» مشهور است. قسمت‌هایی از این نامه را در اینجا می‌خوانید. امام، در هر فرمانی که به مالک می‌دهد، علت آن را هم بیان می‌کند. این قسمت‌ها را مطالعه نمایید و هر فرمان را از علت آن تفکیک کنید تا بدانید که چرا امام آن دستور را به مالک داده است.

۱- دل خویش را نسبت به مردم تحت حکومت مهربان قرار بده و با همه دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر در آفرینش همانند تواند.

۲- اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبر یا خود بزرگ‌بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، تندروی تو را فرو می‌نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی بازمی‌گرداند.

۳- دوست‌داشتنی‌ترین چیزها نزد تو، آن چیزی باشد که در حق میانه‌ترین، در عدل شامل‌ترین و در جلب خشنودی مردم فراگیرترین است؛ زیرا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص و نزدیکان را از بین می‌برد و رضایت عمومی؛ خشم خواص را بی‌اثر می‌کند.

۴- کسانی را که اهل عیب‌جویی از دیگران‌اند، از خود دور کن؛ زیرا مردم عیب‌هایی دارند که مدیر و رهبر جامعه باید بیش‌تر از همه در پنهان کردن آن‌ها بکوشد.

۵- در قبول و تصدیق سخن چین شتاب مکن؛ زیرا سخن‌چین در لباس نصیحت ظاهر می‌شود، اما خیانتکار است.

۶- با ترسو مشورت نکن که در انجام‌دادن کارها روحیه تو را سست می‌کند.

۷- هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد؛ زیرا در این صورت، نیکوکاران

به کار خیر بی‌رغبت و بدکاران به کار بد تشویق می‌شوند.

۸- خدا را خدا را! در خصوص طبقات محروم ... برای خدا پاسدار حقی باش که خدا برای آنان معین فرموده است ... مبدا دل مشغولی‌های حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت‌های دیگر نخواهد بود ... برای این گروه، عده‌ای از افراد مورد اطمینان و خدا ترس و متواضع را انتخاب کن تا درباره وضع آن‌ها تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس، برای رفع مشکلات آن‌ها به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا معذور باشی؛ زیرا این گروه بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند.

۲- وظیفه مردم نسبت به رهبر و حکومت اسلامی

همان‌طور که رهبر جامعه نسبت به مردم مسئولیت‌هایی دارد، مردم نیز در برابر رهبری وظایفی دارند که باید به انجام آن‌ها قیام کنند. برای شناخت آن‌ها، بار دیگر به سراغ آیات ابتدای درس می‌رویم تا برخی از این وظایف را از آیات استخراج کنیم:

۱- مردم مسئولیت دارند از رهبر جامعه تبعیت کنند و پایبند قوانین و مقررات حکومت اسلامی باشند.

سوره...../آیه.....

۲- برای اجرای قوانین اسلام، پیشرفت جامعه و ناکام گذاشتن دشمنان خدا و مردم، از خود استقامت و پایداری نشان دهند. زیرا با تشکیل حکومت اسلامی، منافع ظالمان و مستکبران به خطر می‌افتد و آنان با تمام امکانات و ابزارهایی که دارند، می‌کوشند که مردم را دچار سختی و مشکلات کنند تا بالاخره دست از حق‌طلبی خود بردارند.

سوره...../آیه.....

۳- وحدت و همبستگی اجتماعی خود را بر محور رهبری جامعه حفظ کنند تا قدرت‌های ستمگر نتوانند در کشور اسلامی نفوذ کنند و عزت و استقلال جامعه را به خطر اندازند.^۱

۴- خود را برای مقابله با ظالمان و مستکبران آماده کنند به‌طوری که آنان فکر تهاجم به سرزمین اسلامی را در سر نپرورانند.^۲

همچنین برخی دیگر از وظایف مردم را که از سخنان پیشوایان دین به‌دست آمده، ذکر می‌کنیم:

۵- آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی خود را افزایش دهند تا بتوانند در شرایط پیچیده‌ای که

قدرت‌های ظالم در دنیا ایجاد می‌کنند، تصمیمات صحیح بگیرند و درست عمل کنند.

۶- خیرخواه و نصیحت‌گر و یاری‌دهنده رهبر باشند.

۷- وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را با روش‌های درست و تأثیرگذار انجام دهند و مانع گسترش بدی‌ها و زشتی‌ها و کم‌رنگ شدن خوبی‌ها و نیکی‌ها گردند.^۱

۸- در جهت آبادانی کشور بکوشند.

۹- در حفظ اموال عمومی تلاش کنند.

۱۰- منافع کل جامعه و نظام اسلامی را بر منافع فردی خود ترجیح دهند.^۲

به علت اهمیت مسئولیت‌های رهبر نسبت به جامعه و جامعه نسبت به رهبر، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«... و بزرگ‌ترین حقی که خدا واجب کرده است، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حقوقی که خداوند بر هریک از این دو نسبت به هم واجب کرده و آن را سبب دوستی و الفت آنان و ارجمندی دیشان قرار داده است، مردم جز به صلاح حاکمان، اصلاح نپذیرند و حاکمان جز به پایداری مردم، نیکو نگردند، پس هنگامی که مردم، وظیفه خود را نسبت به حاکم انجام دادند و حاکم نیز حق آنان را ادا کرد، حق در میان جامعه ارزشمند می‌شود.»



۱- با گفت‌وگو و هم‌اندیشی، نمونه‌هایی از مسئولیت مردم نسبت به حکومت

اسلامی را بیان کنید.

۲- به نظر شما این مسئولیت‌ها تا چه میزان مورد توجه مردم جامعه است؟

۳- نظام اسلامی و مردم‌سالاری

نظام جمهوری یا مردم‌سالار، حکومتی است که براساس نظر و رأی اکثریت مردم پدید آمده است. یعنی اکثریت مردم، نوع حکومت خود را تعیین کرده‌اند، نه فرد یا گروهی خاص. در این نوع

۱- درباره وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، در کتاب دین و زندگی (۲) بحث شده است.

۲- بندهای ۵ تا ۱۰ از نامه امام علی (ع) به مالک‌اشتر و خطبه‌های ۳۴ و ۲۰۷ نهج البلاغه استخراج شده است.

حکومت، مردم همواره در تعیین سرنوشت خود دخالت دارند و از راه‌های تعیین شده در قانون آن را دنبال می‌کنند.

این ویژگی در نظام اسلامی کاملاً وجود دارد و لفظ «جمهوری» در کنار «اسلامی» بیانگر آن است. مردم ایران با قیام و انقلاب خود، جمهوری اسلامی را برپا کردند و به قانون اساسی که شکل حکومت و خطوط کلی آن را تعیین می‌کند، رأی دادند و با شرکت دائم در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای شهر و روستا، هم در امور کشور دخالت می‌کنند و هم پابندی خود را به اصل نظام اسلامی و قانون اساسی نشان می‌دهند.

البته این تفاوت اساسی میان نظام‌های جمهوری دموکراتیک رایج در جهان و جمهوری اسلامی هست که اولاً حکومت اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی تشکیل می‌شود و قانون‌گذاران نمی‌توانند برخلاف دستورات الهی قانون تنظیم کنند. و به همین جهت این نظام، «مردم‌سالاری دینی» نامیده شده است. ثانیاً دموکراسی رایج در جهان، هدف خود را صرفاً تأمین خواسته‌های دنیوی مردم قرار داده است و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتناست. اما هدف اصلی از نظام اسلامی سعادت اخروی و برقراری عدالت اجتماعی است و آسایش و رفاه مردم را در این چهارچوب برقرار می‌کند. زیرا تا انسان‌ها در آن دو جهت حرکت نکنند، آسایش و رفاه عمومی را به دست نخواهند آورد؛ بلکه فقط گروه‌های خاصی به ثروت‌های عظیم خواهند رسید و اکثریت مردم محروم خواهند ماند. و همین وضعیت اکنون در جهان وجود دارد.^۱

۴- حکومت اسلامی، زمینه‌ساز حکومت جهانی امام عصر علیه السلام

برقراری حکومت اسلامی در عصر غیبت، علاوه بر این که یک ضرورت اساسی در اجرای احکام اسلامی است، به مؤمنان و منتظران حضرت مهدی علیه السلام فرصت می‌دهد که آنچه را برای آمادگی ظهور لازم است، فراهم سازند.

۱- متأسفانه اکثر حکومت‌هایی که امروزه به نام حکومت‌های دموکراتیک شهرت دارند، حکومت اقلیت ثروتمندان و سرمایه‌داران بر اکثریت مردم است؛ برای مثال، دو حزب جمهوری خواه و دموکرات در آمریکا در اختیار دو بخش از ثروتمندترین سرمایه‌داران آمریکایی است که عظیم‌ترین رسانه‌های تبلیغاتی را در اختیار دارند. همین حکومت، مستبدترین کشورهای پادشاهی را که کمتر انتخابات عمومی برگزار می‌کنند، حمایت می‌کند؛ اما با کشور ما که در این سی سال به‌طور متوسط یک انتخابات برگزار کرده و میزان مشارکت مردم از کشور آمریکا هم بیش‌تر بوده، دشمنی می‌ورزد. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد به کتاب «نظم‌های کهنه و نوین جهانی» اثر نوام چاسکی از انتشارات اطلاعات مراجعه کنید.

مرجعیت و ولایت فقیه در عصر غیبت، همان چراغ هدایتی است که در پرتو آن می‌توان راه را از بی‌راهه شناخت و در میان هزاران راهی که به بن‌بست می‌انجامد، راه درست را برگزید و آن را به سلامت پیمود. همچنین، حکومت اسلامی قلعه و حصار محکمی است که منتظران در آن، به آماده‌سازی و تشکّل خود می‌پردازند. بنابراین:

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به معنای ارائه یک الگو از حاکمیت دینداران است که با الهام از تعالیم انبیاء، برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تلاش می‌کنند. در این حکومت، زمینه عبودیت، معنویت‌خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به‌طور نسبی فراهم می‌آید دینداران و حق‌طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت‌های انسانی می‌شوند و جهانیان آماده ظهور موعود جهانی خواهند شد.

وجود حکومت اسلامی می‌تواند امکان مقابله با توطئه‌ها و تهاجم‌ها را فراهم آورد و برنامه‌های وسیعی را برای پایداری و استقامت مسلمانان در مقابل مستکبرین تدارک ببیند. گرچه حمایت از محرومان و مستضعفان جهان، دشمنی ستمکاران را به‌دنبال دارد، اما سبب تقویت جبهه حق در دنیا می‌شود و ما را به حکومت عدل جهانی نزدیک‌تر می‌سازد.



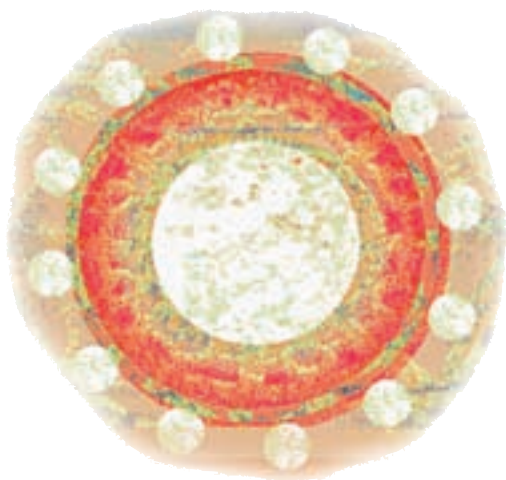
مردم سالاری دینی از اصطلاحاتی است که در سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، برای تبیین حکومت اسلامی مورد استفاده قرار داده و در مناسبت‌های مختلف، به توضیح درباره آن پرداخته‌اند؛ به قسمت‌هایی از این توضیحات توجه کنید:

... این مردم سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد؛ این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه؛ خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است.... مردم سالاری عبارت است از این که تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت

بگیرد؛ یعنی، مردم نظام را انتخاب می‌کنند، دولت را انتخاب می‌کنند، نمایندگان را انتخاب می‌کنند، مسئولان اصلی را به واسطه یا بی‌واسطه انتخاب می‌کنند. این، همان چیزی است که غرب ادعای آن را می‌کند و این فقط ادعاست.^۱



- ۱- انتخاب ولی‌فقیه در کشور ما چگونه انجام می‌گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان دخالت دارند؟
- ۲- تفاوت‌های اصلی جمهوری اسلامی با سایر حکومت‌های جمهوری را برشمرید.
- ۳- چگونه حکومت اسلامی ایران می‌تواند زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی (عج) باشد؟



۱- در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲

..... و

برای این که زندگی فردی و اجتماعی با مطابق با قوانین الهی و دستورهای او باشد. دو اقدام زیر را در برنامه‌ی خود جای می‌دهیم:

۱- مرجعی را که واجد شرایط می‌دانیم، انتخاب می‌کنیم تا احکام دینی خود را مطابق نظری که متخصص این موضوع است، انجام دهیم.

۲- مسئولیت خود را به عنوان عضوی از نظام اسلامی می‌پذیریم و در انتخاب مسئولان و کترش مردم سالاری دینی، از حق خود استفاده می‌کنیم. کاری را که عمده‌دار شده‌ایم، به‌دستی انجام می‌دهیم و دیگران را نیز به انجام دادن مسئولیت‌هایشان تشویق می‌کنیم.

